

پاسخ به شبهات مطرح شده در خصوص قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت



قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مشتمل بر ۷۳ ماده و ۸۱ تبصره، در جلسه مورخ ۲۴ مهر ۱۴۰۰ کمیسیون مشترک طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده مجلس شورای اسلامی، طبق اصل ۸۵ قانون اساسی تصویب شد. پس از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن، به مدت ۷ سال، در تاریخ ۱۴۰۰/۸/۲۴ به تأیید شورای نگهبان رسید. طی سه سالی که از اجرای قانون گذشته، کارشناسان رشته‌های مختلف اعم از جمعیت شناس، جامعه‌شناس، اقتصاددان، پزشک و حقوق‌دان و همچنین فعالین مدنی؛ تحلیل‌ها و ارزیابی‌های متفاوتی را از ابعاد مختلف این قانون ارائه کرده‌اند. در روزنامه‌ها و جراید نیز نقدهایی از طرف برخی از نویسندگان بر این قانون وارد شده است. موسسه تحقیقات جمعیت کشور برای رفع ابهام و روشن‌گری افکار عمومی بر آن است در ادامه به برخی از نقدهای موجود در جراید و روزنامه‌های کشور پاسخ دهد.

نقد ۱: قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت حاوی امتیازات بی‌ربط و زیانبار از جمله وام ازدواج و فرزندآوری می‌باشد. ۳

- نقد ۲: دستاوردسازی نکنید؛ در این دولت، رشد فرزندآوری منفی است..... ۵
- نقد ۳: آمار خام طلاق مسئله اصلی نیست، بلکه نسبت طلاق به ازدواج و نیز نرخ طلاق مهم است که بر اساس آمار رسمی ثبت احوال هر دو مورد افزایش یافته است."..... ۹
- نقد ۴: قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت بار مالی وحشتناک و تورم زا داشته است..... ۱۲
- نقد ۵: قانون فرزندآوری با آن همه بودجه و اعتبار و اصرار شکست خورد!..... ۱۷
- نقد ۶: سیاستها از نظر ما و آمار و ارقام رسمی شکست خورده است، به جای عقب‌نشینی شجاعانه اقدام به پیشروی بیش‌تر و البته جبهه‌بانه می‌کنند!..... ۲۰
- نقد ۷: تنها راه فرزندآوری امیدوار کردن طبقه متوسط به آینده است!..... ۲۱
- نقد ۸: کاهش رشد جمعیت در اصل یک پدیده اجتماعی است. پدیده‌ای که بسیار هم خوب و ضروری است!..... ۲۳
- نقد ۹: رشد جمعیت از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ افزایشی شده بود و در دولت اول اصولگرا و طرفدار رشد جمعیت، کاهشی شده است!..... ۲۵
- نقد ۱۰: کشور از کاهش جمعیت، زیان ندیده بلکه سود برده است!..... ۲۶

مقدمه:

ضمن احترام به اظهارنظرها و دغدغه‌های مطرح شده توسط محققان و منتقدان درباره مسائل جمعیتی، لازم است تأکید شود که داشتن شور و اشتیاق برای تحلیل مسائل اجتماعی یک ویژگی خوب و ارزشمند است، اما کافی نیست و مسئولیت اجتماعی یک پژوهشگر دلسوز ایجاب می‌کند که ضمن اجتناب از قطب‌بندی‌های ناصواب، در گفتگوهای سازنده مشارکت نموده و مسائل و مشکلات اجتماعی را روش‌مند و داده‌محور تحلیل و ارزیابی کند. همچنین لازم به یادآوری است که در نقد و بررسی سیاست‌های جمعیتی، مهمترین اصل، تکیه بر داده‌های معتبر و تحلیل‌های علمی است. توجه به این نکته مهم از این جهت ضروری است که در نقد و ارزیابی سیاست‌های جمعیتی، عدم رعایت اصول حرفه‌ای و ارائه تحلیل‌های جهت‌دار، ولو غیرعمدی، می‌تواند از جهات مختلفی آسیب‌زا باشد. اول آن‌که تحلیل پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با زندگی مردم ارتباط مستقیمی دارد و ارائه تحلیل‌های نادرست از مسائل جمعیتی می‌تواند بر تصمیمات خانواده‌ها (البته به سهم خود) تأثیر بگذارد. دوم آن‌که مسائل اجتماعی و اقتصادی با ارزش‌ها، نگرش‌ها، احساسات و عواطف مردم پیوند عمیقی دارند و با توجه به ویژگی اثر زنجیره‌ای مسائل اجتماعی، انعکاس ارزیابی‌های غیرعلمی می‌تواند در کنار سایر عوامل مؤثر بر اضطراب اجتماعی، اثرگذاری مخربی داشته باشد.

نقد ۱: قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت حاوی امتیازات بی‌ربط و زیانبار از جمله وام ازدواج و فرزندآوری می‌باشد.

مصادق "با صدقه وام ازدواج و فرزندآوری و امتیازات بی‌ربط و زیان‌بار نمی‌توانید این طبقه {طبقه متوسط} را به فرزندآوری که در این شرایط نوعی فرزندکشی است، ترغیب کنید." <https://fa.shafaqna.com/?p=۱۷۹۷۳۹۹>



ترویج و آگاهی بخشی نسبت به وجوه مثبت ازدواج به هنگام و آسان و فرزندآوری در راستای سیاست‌های کلی جمعیت و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت بسیار مهم و نگاه دولت‌ها به سیاست‌های جمعیتی و تنظیم خانواده بسیار تعیین‌کننده می‌باشد. مطالعات تطبیقی انجام شده در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و موسسه تحقیقات جمعیت کشور (بررسی تطبیقی سیاست‌های جمعیتی در کشورهای منتخب) نشان می‌دهد که اکثر مشوق‌ها و تسهیلات قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت از جمله وام ازدواج و فرزندآوری، در چارچوب مشوق‌های فرزندآوری ارائه شده در کشورهای مختلف جهان می‌باشد و گام بلندی برای حمایت از خانواده و فرزندآوری برداشته شده است. لازم به ذکر است مشوق و کمک هزینه ازدواج و فرزندآوری از رسوم قدیمی ایرانی – اسلامی این مرزوبوم بوده و با دید صدقه بدان نگریسته نشده است. البته میزان موفقیت آن به نحوه اجرایی شدن، تحقق اعتبارات تخصیص یافته به دستگاه‌ها و ستاد ملی جمعیت و نظارت مستمر بر آن بستگی دارد.



در ارتباط با مشوق‌های فرزندآوری در کشورهای مختلف جهان و ایران برای برون‌رفت از چالش‌های جمعیتی پیش‌رو، گام بلندی برای حمایت از خانواده، حمایت مادی و معنوی از مادران و ایجاد مشوق‌های فرزندآوری برداشته شده است. طیف حمایت‌ها نشان‌دهنده رویکرد دولت‌ها نسبت به سیاست‌های افزایش یا کاهش فرزندآوری است؛ بررسی‌ها نشان می‌دهد، طیف حمایت دولت‌ها در این زمینه در کشورهای مختلف با توجه به سطوح باروری، متفاوت است؛ طیف این حمایت‌ها از حمایت مستقیم در سیاست‌های افزایش فرزندآوری گرفته (مثل کشورهای مغولستان (۲.۵ فرزند)، کره جنوبی (۱.۳ فرزند)، سنگاپور (۱.۳ فرزند)) و حمایت غیرمستقیم (مثل کشورهای ژاپن (۱.۳ فرزند)، قزاقستان (۲.۵ فرزند)، ایتالیا (۱.۴ فرزند)) تا عدم دخالت (مثل کشورهای گابن (۳.۴ فرزند)، اتریش (۱.۵ فرزند)، آلمان (۱.۴ فرزند)) یا نداشتن سیاست مشخص جمعیتی و یا قبول سیاست‌های تنظیم خانواده متغیر است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد، برای مقابله با موضوع کاهش فرزندآوری، مشوق‌ها و تسهیلات در کشورهای مختلف در چارچوب محورهای زیر ارائه می‌شوند:

پاداش یا مساعده هنگام تولد فرزند : مبلغی که قبل یا در بدو تولد فرزند به والدین تعلق می‌گیرد که کمک هزینه والدین یا تولد نیز نامیده می‌شود؛ این امر در کشورهای مختلف متفاوت است.

تخصیص مزایا به خانواده‌ها : مزایای نقدی یا غیرنقدی که به منظور رفاه و بهبود اوضاع والدین به آن‌ها اختصاص می‌یابد و شامل مزایای نقدی، تخفیف مالیاتی و انواع یارانه می‌شود؛ این امر در کشورهای مختلف متفاوت است. اجازه مرخصی به مادران : اجازه مرخصی به مادران شاغل هنگام تولد فرزند و اطمینان از امکان بازگشت دوباره به کار که شامل مرخصی با حقوق و بدون حقوق است؛ مدت مرخصی مادران در کشورهای مختلف متفاوت است.

اجازه مرخصی به پدران : اجازه مرخصی به پدران شاغل به هنگام تولد فرزند اول و اطمینان از امکان بازگشت دوباره به کار. در برخی از کشورها، مرخصی پدران به جای اینکه حق جداگانه‌ای باشد، بخشی از برنامه مرخصی پدران محسوب می‌شود. معمولاً مدت مرخصی پدران کوتاه‌تر از مدت مرخصی مادران است و این در کشورهای مختلف متفاوت است.

اجازه مرخصی به والدین : اجازه مرخصی به والدین شاغل و اطمینان از امکان بازگشت دوباره به کار. این مرخصی مکمل مرخصی مادران و پدران محسوب می‌شود و شامل مرخصی با حقوق و بدون حقوق است. این نوع مرخصی نیز در کشورهای مختلف متفاوت است.

کمک‌هزینه مراقبت از فرزند : شامل دسترسی به کمک هزینه آموزشی یا آموزش رایگان، مهدکودک، کودکستان و یا سایر خدمات حمایتی برای فرزندان در سن مدرسه، این امر در کشورهای مختلف متفاوت است.

بخش اعظم آنچه در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت آمده، هرچند ممکن است انتقادات موجهی نیز به آن وارد باشد، برگرفته از تجربیات سایر کشورها با در نظر گرفتن اقتضائات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور بوده است. البته باید بدانیم که صرفاً مشوق‌های مادی نمی‌تواند منجر به اصلاح ساختار سنی جمعیتی شود؛ علل عدم تمایل به فرزندآوری صرفاً مادی نیست و مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هم مهم است و باید تغییرات بنیادی در آن رخ دهد.

نقد ۲: دستاوردسازی نکنید؛ در این دولت، رشد فرزندآوری منفی است.

مصادق "دستاوردسازی نکنید؛ در این دولت، رشد فرزندآوری منفی است"

<https://www.eghtesadnews.com/fa/tiny/news-۶۴۵۳۴۹>

اینکه مطرح شده در این دولت، رشد فرزندآوری منفی است، درست این بود که می‌نوشتند در این دولت هم مثل دولت‌های قبل از این، رشد فرزندآوری کاهشی شده است. تعداد تولدها و به تبع آن نرخ باروری کل از سال ۱۳۹۴ به بعد شروع به کاهش شدید نموده، به نحوی که تعداد تولدها از ۱۵۷۰۰۰۰ در سال ۱۳۹۴ به حدود ۱۰۵۷۰۰۰ در سال ۱۴۰۲ رسیده و نرخ باروری کل نیز از حدود ۲ فرزند به ازای هر زن به حدود ۱.۶ فرزند رسیده است. در سه سال گذشته شیب کاهشی فرزندآوری ملایم و نرخ باروری کل تثبیت شده است.



منتقدان از شاخص جمعیتی «تعداد موالید» استفاده کرده‌اند، که از دقت نسبتاً کمی در تبیین شرایط جمعیتی کشور برخوردار است. در بررسی وضعیت باروری هرچند نخستین داده‌های آماری مربوط به تعداد تولدها می‌شوند، ولی بررسی وضعیت باروری کشور با شاخص دقیق‌تری یعنی «نرخ باروری» تعیین می‌گردد.

یکی از بدیهی‌ترین ملاک‌های علمی در علم جمعیت‌شناسی تمیز بین اعداد مطلق و اعداد نسبی است، اساساً برای مقایسه زمانی و مکانی داده‌های جمعیتی از اعداد نسبی استفاده می‌شود نه اعداد خام یا مطلق، تعداد موالید یک عدد مطلق است که با استفاده از آن در مورد تغییرات شاخص‌های جمعیتی نمی‌توان اظهار نظر کرد، لذا بایستی از ارقام نسبی استفاده نمود. نرخ زادوولد، سنجه‌ای است که جمعیت‌شناسان برای نشان دادن سهم موالید جدید در رشد سالانه جمعیت کل و نیز افزایش بالقوه آتی جمعیت به کار می‌گیرند. یکی از شاخص‌های سنجش باروری، نرخ خام زادوولد (CBR) است. خام به این معنا که این سنجه نسبت تعداد تولدها را با تعداد کل جمعیت را نشان می‌دهد و چون کل جمعیت را شامل می‌شود، نمی‌تواند شاخص مناسبی برای مقایسه و تحلیل وضعیت زادوولد در کشور باشد. معمولاً نرخ خام تولد، تعداد موالید در یک دوره معین برای هر ۱۰۰۰ فرد زنده در نقطه میانی آن دوره بیان شده و نباید با نرخ باروری کل (TFR) اشتباه گرفته شود که شامل زنان در سن باروری در مخرج کسر است. بر اساس مطالعات انجام شده در مقیاس بین‌المللی، مناسب‌ترین شاخص برای نشان دادن وضعیت زادوولد در یک کشور، نرخ باروری کل بوده که می‌تواند مبنایی برای مقایسه بین کشورها باشد و بطور معمول هم بر این اساس عمل می‌شود. نرخ باروری که از تقسیم تعداد تولدها بر تعداد زنان در سنین باروری نتیجه می‌شود، در واقع

وضعیت باروری زنان در سنین باروری جامعه را بررسی کرده و مشخص می‌کند که به ازای هر زن در سن باروری چند فرزند در سنوات باروری متولد شده است. نکته مهم دیگر اینکه منتقد محترم در یکی از مصاحبه‌های خود تحلیل فوق را تایید می‌نماید. منتقد محترم تاکید کرده است که تعداد مهم نیست. در بخشی از مصاحبه آمده است: "آمار خام طلاق یا تعداد طلاق‌ها مساله اصلی نیست"

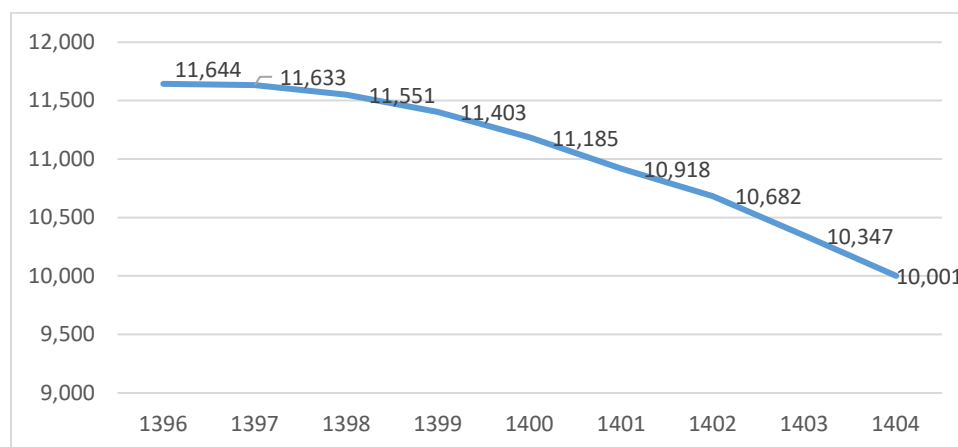
در جدول شماره ۱، میزان باروری عمومی برای گروه‌های سنی زنان ۲۵ تا ۳۹ ساله و میزان باروری کل طی دوره ۱۴۰۲-۱۳۹۹ محاسبه شده است. همچنانکه ملاحظه می‌شود، میزان باروری عمومی از سال ۱۴۰۱ به بعد نه تنها تثبیت شده، بلکه مقدار اندکی افزایش داشته است. نرخ باروری کل پس از هفت سال که کاهش حدود ۲۰ درصدی داشت، بنابر اعلام رسمی سازمان ثبت‌احوال در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱ ثابت مانده است. نرخ باروری در ۱۵ استان کشور نسبت به سال ۱۴۰۱ افزایش یافته و در سه استان بدون کاهش بوده است. این نتیجه هرچند تا زمانی که نرخ باروری کل حالت افزایشی به خود نگیرد، نمی‌تواند به ساختار جمعیتی ما کمک شایانی کند، ولی نسبت به قبل دستاورد ولو اندکی محسوب می‌گردد. در خصوص ارزیابی اثربخشی سیاست‌های جمعیتی بر سطح باروری کل، تثبیت یا جلوگیری از کاهش بیشتر باروری کل، به‌عنوان اثر مثبت قانون تلقی می‌شود.

جدول ۱: تغییرات میزان باروری عمومی و کل طی دوره (۱۴۰۲-۱۳۹۹)

سال	تعداد موالید	تعداد زنان (۲۵-۳۹)	میزان باروری عمومی (۲۵-۳۹)	میزان باروری کل
۱۳۹۹	۷۷۹۹۵۱	۱۱۴۰۳۰۰۰	۶۸.۴	۱.۷
۱۴۰۰	۷۸۲۰۱۸	۱۱۱۸۵۰۰۰	۶۹.۹	۱.۶۱
۱۴۰۱	۷۵۱۳۶۰	۱۰۹۱۸۰۰۰	۶۸.۸	۱.۶
۱۴۰۲	۷۳۵۸۲۶	۱۰۶۸۲۰۰۰	۶۸.۹	۱.۶

لازم به توضیح است که تعداد زنان ۲۵ تا ۳۹ ساله ایرانی (که فرزندآوری عمدتاً در این سنین اتفاق می‌افتد)، بین سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ بیش از ۸۳۸ هزار نفر کاهش یافته است (نمودار ۱) و این رقم در سال‌های آتی نیز متأسفانه کاهش خواهد یافت. طبیعتاً اگر کاهش موالید با کاهش تعداد زنان در سن باروری همراه باشد، نرخ باروری کاهش نمی‌یابد. به عبارت دیگر در حالیکه تعداد موالید سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱ کاهش داشته است، با توجه به کاهش هم‌زمان تعداد این زنان نرخ باروری سال ۱۴۰۲ نسبت به سال قبل ثابت مانده است. به بیان دیگر تعداد ولادت به ازای زنان (۲۵-۳۹) ثابت مانده و این موضوعی است که نگارنده مطلب فوق سعی در نادیده گرفتن آن با تکیه صرف بر تعداد موالید داشته است. به عبارت دیگر بخش زیادی از زنان در سنین باروری

از سن معمول باروری عبور کرده و کمتر تصمیم به فرزندآوری می‌گیرند. در چنین شرایطی ثابت نگه داشتن نرخ باروری بسیار ارزشمند و نشانه تغییر در سبک باروری خانواده‌هاست.



نمودار ۱: تعداد زنان ۲۵ تا ۳۹ ساله ایرانی در هر سال (میلیون نفر)

موضوع دیگر در خصوص وضعیت باروری ایرانیان و تغییرات آن در سال‌های اخیر موضوع نگرش خانواده‌های ایرانی به فرزند بیشتر می‌باشد که این موضوع پس از قانون جوانی جمعیت تغییر محسوسی کرده است. گفتمان فرزند سوم به بعد که سال‌ها با انگ اجتماعی همراه بود، در سال‌های اخیر به خوبی در حال گسترش است. اگرچه منتقدان محترم این موارد را دستاورد ندانسته، ولی این تغییر گفتمان موضوع مهمی است که در صورت استمرار می‌تواند آینده جمعیتی کشور را تحت‌الشعاع قرار دهد.

نقد ۳: آمار خام طلاق مسئله اصلی نیست، بلکه نسبت طلاق به ازدواج و نیز نرخ طلاق مهم است که بر اساس آمار رسمی ثبت احوال هر دو مورد افزایش یافته است.



مصدق: " یکی از مسئولان وزارت کشور با هدف دستاورد سازی گفته است که با آمدن دولت ریسی، طلاق کمتر شده است. این نیز غلط است. آمار طلاق در سال ۱۴۰۱، نسبت به سال ۱۴۰۰ افزایشی است و در سال ۱۴۰۲ تا حدود ۵ درصد کاهش یافته است. ولی آمار خام طلاق مساله اصلی نیست، بلکه نسبت طلاق به ازدواج و نیز نرخ طلاق مهم است که براساس آمار رسمی ثبت احوال هر دو مورد افزایش یافته است."

<https://www.eghtesadnews.com/fa/tiny/news-۶۴۵۳۴۹> و " نسبت ازدواج به طلاق نیز در حال

کاهش است و اکنون به ۲.۶۱ رسیده است"، asriran.com/۰۰۴F۶L

ابتداً بایستی اشاره شود که اشتباهات آماری زیادی در نقدهای ارائه شده وجود دارد، که تحلیل صحیح و درست را به انحراف می‌کشاند و به هیچ وجه مورد قبول نیست. اعلام اینکه تعداد طلاق‌ها در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱، ۵ درصد کاهش یافته و یا اینکه فرموده‌اند: نسبت ازدواج به طلاق نیز در حال کاهش است و اکنون به ۲.۶۱ ازدواج به ازای هر طلاق رسیده و یا اینکه آمار خام طلاق در سال ۱۴۰۲ را افزایشی اعلام کرده‌اند، خلاف آمارهای رسمی کشور می‌باشد. استفاده از شاخص نسبت ازدواج به طلاق، نیز اساساً شاخص مناسبی برای ارزیابی وضعیت انحلال نهاد خانواده نیست. نرخ خام یا ناخالص طلاق شاخص مناسبی برای ارزیابی وضعیت انحلال نهاد خانواده در یک جامعه است. این شاخص بیانگر نسبت تعداد مطلق طلاق‌های رخ داده در بین هزار نفر از جمعیت (ایرانی) در یک سال معین است. اگر هم بخواهیم از شاخص نسبت ازدواج به طلاق برای ارزیابی وضعیت انحلال خانواده استفاده کنیم، آمار رسمی سازمان ثبت احوال نسبت ازدواج به طلاق را ۲.۴ ازدواج به ازای هر طلاق اعلام

کرده است، بنابراین، گزاره تداعی کننده اینکه اکنون نسبت ازدواج به طلاق به ۲.۶۱ ازدواج به ازای هر طلاق رسیده است، درست نیست و به علت خطا در محاسبات آماری می باشد.

در این ارتباط همچنین عنوان شده است که "نرخ طلاق مهم است که بر اساس آمار رسمی ثبت احوال افزایش یافته است". این هم خلاف واقع است. برخلاف ادعای مطرح شده نرخ طلاق بر اساس آمار رسمی سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۴۰۲ نه تنها افزایش نیافته است، بلکه کاهش نیز یافته است. نرخ ناخالص طلاق از حدود ۰.۹۶ به ازای هر هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۴۵ به حدود ۱.۹ (حدود دو برابر) طلاق به ازای هر هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۹۰ رسیده و سپس با یک رشد کند به ۲.۵۱ طلاق به ازای هر هزار نفر جمعیت در سال ۱۴۰۱ افزایش یافته و بر خلاف ادعاها، سپس در سال ۱۴۰۲ با کاهش نسبی نسبت به سال ۱۴۰۱ به ۲.۴۱ طلاق به ازای هر هزار نفر جمعیت رسیده است. بالاخره اینکه تعداد طلاق ها در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱، ۵ درصد کاهش نیافته، بلکه ۳.۲ درصد کاهش یافته است (جدول شماره ۲).

جدول ۲: تعداد طلاق های ثبت شده و میزان ناخالص طلاق از سال ۱۳۴۵ تا ۱۴۰۲

سال	جمعیت ایرانی (به هزار نفر)	تعداد طلاق	میزان ناخالص طلاق (به ازای هر هزار نفر)	سال	جمعیت ایرانی (به هزار نفر)	تعداد طلاق	میزان ناخالص طلاق (به ازای هر هزار نفر)
۱۳۴۵	۲۵۷۸۹	۲۴۸۲۳	۰.۹۶	۱۳۹۴	۷۷۲۲۶	۱۷۴۶۸۱	۲.۲۶
۱۳۵۵	۳۳۷۰۹	۱۸۰۲۱	۰.۵۳	۱۳۹۵	۷۸۱۶۷	۱۷۶۵۳۲	۲.۲۶
۱۳۶۵	۴۸۵۱۷	۳۵۲۱۱	۰.۷۳	۱۳۹۶	۷۹۲۷۸	۱۸۲۰۷۹	۲.۳۰
۱۳۷۵	۵۸۹۵۴	۳۷۸۱۷	۰.۶۴	۱۳۹۷	۸۰۲۶۷	۱۷۹۴۷۲	۲.۲۴
۱۳۸۵	۶۸۹۰۱	۹۴۰۴۰	۱.۳۶	۱۳۹۸	۸۱۰۶۸	۱۷۸۹۴۵	۲.۲۱
۱۳۹۰	۷۳۴۶۱	۱۴۲۸۴۱	۱.۹۴	۱۳۹۹	۸۱۶۷۱	۱۸۷۷۸۳	۲.۳۰
۱۳۹۱	۷۴۴۰۲	۱۵۰۳۲۴	۲.۰۲	۱۴۰۰	۸۲۲۴۲	۲۰۴۴۸۷	۲.۴۹
۱۳۹۲	۷۵۳۴۴	۱۶۹۳۱۲	۲.۲۵	۱۴۰۱	۸۲۸۹۹	۲۰۷۸۲۶	۲.۵۱
۱۳۹۳	۷۶۲۸۵	۱۷۵۹۵۶	۲.۳۱	۱۴۰۲	۸۳۵۱۴	۲۰۱۱۵۸	۲.۴۱

منبع: سازمان ثبت احوال کشور

- چرا نسبت ازدواج به طلاق شاخص مناسبی نیست؟

با استناد به آمارهای طلاق طی سال های ۱۳۴۵ تا ۱۴۰۲، یکی از متداول ترین شاخص ها برای مطالعه سطح و روند رویدادهای ازدواج و طلاق در ایران که اغلب توسط کاربران عمومی و حتی در متون تخصصی به کار می رود، نسبت ازدواج به طلاق است. این نسبت حاصل تقسیم تعداد ازدواج های یک سال بر تعداد طلاق ها در همان سال است که تعداد ازدواج های واقع شده به ازای هر طلاق واقع شده در آن سال را نشان می دهد. این نسبت تحت

شرایطی به عنوان نشانگر وضعیت استحکام زندگی زناشویی معرفی شده است. این در حالی است که در واقع، این معیار، در شرایطی که روند ازدواج، نزولی شده باشد، (به خصوص به عنوان مخرج کسر «نسبت طلاق به ازدواج») و روند طلاق صعودی شده باشد، نشان‌دهنده آنچه در جامعه به عنوان وضعیت استحکام زندگی زناشویی انتظار می‌رود نیست، چرا که دو جامعه یا جمعیت متفاوت را مقایسه می‌کند و روند تغییرات حاصله از این نسبت، گمراه‌کننده خواهد بود.

ازدواج، رخدادی مربوط به بخشی از جامعه با ساختار سنی و ویژگی‌های قاعدتاً متفاوت از بخشی است که در معرض رویداد طلاق هستند. برای افرادی که هرگز ازدواج نکرده‌اند و همچنین افرادی که حداقل یکبار ازدواج کرده‌اند، اما در زمان بررسی در وضعیت بی‌همسر قرار دارند، می‌توان امکان ازدواج متصور شد. این در حالی است که فقط برای افراد دارای همسر امکان طلاق مطرح می‌شود. همچنین طلاق‌هایی که در یک سال به خصوص روی می‌دهد، ممکن است در سال قبل درخواست شده باشند و معمولاً بر پایه ازدواج‌هایی هستند که در چندین سال قبل رخ داده‌اند. بنابراین با توجه به تفاوتی که به طور مشهود میان افرادی که در معرض رویدادهای ازدواج و طلاق هستند وجود دارد، نسبت ازدواج به طلاق نمی‌تواند گویای نمایش مناسبی از وضعیت ازدواج و طلاق در کشور باشد. علاوه بر آن به هیچ عنوان پاسخ دقیقی برای پرسش «از هر چند ازدواج یکی به طلاق ختم می‌شود؟» نیست. در مطالعه طولی انجام شده روی ازدواج‌های رخ داده در سال ۱۳۹۲ تحت عنوان «تحلیل ازدواج هم‌آغازهای ازدواج سال ۱۳۹۲» توسط متخصصین سازمان ثبت احوال کشور که مقاله آن نیز در فصلنامه جمعیت شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ چاپ شده است، تقریباً ۱۵ درصد خانواده‌های شکل گرفته در آن سال، تا دی‌ماه سال ۱۴۰۱ در اثر طلاق دچار از هم گسیختگی شدند؛ یعنی از هر ۷ ازدواج رخ داده در سال ۱۳۹۲ یکی تا دی‌ماه سال ۱۴۰۱ به طلاق منجر شده است. حال آنکه اگر نسبت ازدواج به طلاق را در سال ۱۳۹۲ محاسبه می‌کردیم، به عدد کمتر از ۵ ازدواج در مقابل هر یک طلاق می‌رسیم.

شاخص نسبت ازدواج به طلاق صرفاً به کار مقایسه وضعیت ثبت در مناطق، آن هم در بازه‌های طولانی‌مدت می‌آید و استفاده از آن در بررسی وضعیت طلاق در کشور یا استان‌ها در روندی طولی، اساساً نابه‌جاست، بنابراین، نرخ خام یا ناخالص طلاق و یا نرخ خالص طلاق شاخص مناسبی برای ارزیابی وضعیت انحلال نهاد خانواده در یک جامعه است.

شیب نرخ رشد طلاق در سال‌های اخیر نسبت به قبل کاهش یافته است. تعداد طلاق‌ها در ایران در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۱ به‌طور پیوسته (به استثنای سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸) در حال افزایش بوده و از ۹۴ هزار طلاق در سال ۱۳۸۵ به حدود ۲۰۸ هزار در سال ۱۴۰۱ رسیده و در سال ۱۴۰۲ اندکی کاهش یافته و به حدود ۲۰۱ هزار رسیده است. همچنین: معیار دیگر، شاخص میزان طلاق تعدیل شده (خالص) است که از تقسیم تعداد طلاق‌ها در یک سال بر تعداد زنان دارای همسر در همان سال به دست می‌آید. این شاخص در سال ۱۳۹۵ رقم ۸.۳۵ در

هزار را نشان می‌دهد. در واقع به ازای هر ۱۰۰۰ زن متأهل، ۸.۳۵ نفر در سال ۱۳۹۵ طلاق گرفته‌اند. این شاخص در سال ۱۳۶۵ برابر ۳.۸ در هزار بوده و به وضوح نشانگر افزایش نرخ طلاق است. در سال ۱۴۰۲، میانگین سن در زمان اولین طلاق برای مردان و زنان به ترتیب ۳۸.۶ و ۳۳.۹ سال بود. این شاخص در سال ۱۳۹۲ به ترتیب ۳۴.۷ و ۲۹.۹ سال برای مردان و زنان بوده است. به عبارتی طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ به ترتیب ۳.۹ سال و ۴ سال به میانگین سن مردان و زنان در زمان اولین طلاق افزوده شده که نشان از تجربه طلاق در سنین بالاتر است.

نقد ۴: قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت بار مالی وحشتناک و تورم را داشته است.

مصدق "قانون فرزندآوری به لحاظ مصرف منابع مالی فاجعه است" asriran.com/00430H

تقریباً ۶۶ درصد از جمعیت جهان از جمله ایران، اکنون در کشورهایی زندگی می‌کنند که در آن‌ها نرخ باروری کل (TFR) در سطح جایگزینی (۲.۱) فرزند به ازای هر زن) یا کمتر از آن است. مطالعات انجام شده در مورد تحولات آتی باروری در ایران نشان می‌دهد که اگر مداخلات سیاستی انجام نشود، به احتمال بسیار زیاد نرخ باروری زیر سطح جایگزینی تثبیت خواهد شد. تثبیت نرخ باروری زیر سطح جایگزینی باعث می‌شود کشور در سه دهه آینده جامعه‌ای کاملاً سالخورده داشته باشد. در سال ۱۴۰۲ حدود ۱۲ درصد از جمعیت ایران بالای ۶۰ سال سن داشتند. در سال ۱۴۳۰ ۱۴ درصد جمعیت بالای ۶۰ سال ایران به ۳۳ درصد افزایش می‌یابد.

در اینجا لازم است برای تبیین بهتر موضوع به مقایسه مقدار هزینه‌های عمومی که برای حمایت از خانواده در ایران و کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه ارائه می‌شود، دست زد. جدول ۳، حاوی مطالبی در مورد تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه به قیمت جاری بر مبنای قدرت خرید برابری دلار (PPP)، هزینه‌های عمومی پرداختی برای مزایای خانواده بر اساس مقدار، سرانه و نوع هزینه بر حسب درصد تولید ناخالص داخلی می‌باشد.

جدول ۳: تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) به قیمت جاری برحسب قدرت خرید برابری دلار (ppp)، هزینه‌های عمومی پرداختی برای مزایای خانواده بر اساس مقدار، سرانه و نوع هزینه، بر حسب درصد تولید ناخالص داخلی - ۲۰۱۹

کشور و منطقه	جمعیت میلیون نفر	تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری (ppp) میلیارد دلار- ۲۰۱۹	هزینه‌های عمومی برای حمایت از خانواده میلیارد دلار	سرانه هزینه‌های عمومی برای حمایت از خانواده دلار	نرخ باروری (تعداد فرزند به ازای هر زن)	هزینه‌های عمومی برای مزایای خانواده بر اساس نوع هزینه، بر حسب درصد تولید ناخالص داخلی - ۲۰۱۹ (درصد از تولید ناخالص داخلی)			
						جمع	نقد	خدمات	معافیت‌های مالیاتی برای خانواده‌ها
فرانسه	۶۵.۹	۳۲۳۴	۱۱۱.۲	۱۶۸۸	۱.۸	۳.۴۴	۱.۳۴	۱.۳۸	۰.۷۳
سوئد	۱۰.۵	۵۷۴	۱۹.۶	۱۸۷۰	۱.۵	۳.۴۲	۱.۲۹	۲.۱۳	۰
لوکزامبورگ	۰.۷	۷۵	۲.۵	۳۶۰۰	۱.۳	۳.۳۶	۲.۳	۱.۰۶	۰
لهستان	۳۷.۷	۱۳۱۴	۴۴	۱۱۶۸	۱.۲	۳.۲۵	۲.۳	۰.۷۲	۰.۳۳
استونی	۱.۴	۵۰	۱.۷	۱۱۹۳	۱.۴	۳.۳۴	۲.۳۲	۰.۸۹	۰.۱۳
ایسلند	۰.۴	۲۱	۰.۷	۱۷۵۴	۱.۶	۳.۳۴	۱.۰۳	۲.۳۲	۰
دانمارک	۵.۹	۳۴۵	۱۱.۴	۱۹۳۶	۱.۶	۳.۳۱	۱.۲۷	۲.۰۴	۰
نروژ	۵.۵	۳۵۵	۱۱.۶	۲۱۱۷	۱.۴	۳.۲۸	۱.۲۲	۱.۹۶	۰.۰۹
آلمان	۸۴.۹	۴۶۸۳	۱۵۱.۷	۱۷۸۷	۱.۵	۳.۲۴	۱.۰۸	۱.۳۴	۰.۸۲
بلژیک	۱۱.۸	۶۲۳	۱۹.۸	۱۶۷۹	۱.۵	۳.۱۸	۱.۶۶	۱.۱۱	۰.۴۱
مجارستان	۹.۶	۳۳۶	۱۰.۴	۱۰۸۲	۱.۵	۳.۰۹	۱.۳۶	۱.۰۳	۰.۷
فنلاند	۵.۶	۲۷۹	۸.۱	۱۴۴۰	۱.۳	۲.۸۹	۱.۱۱	۱.۷۸	۰
نیوزلند	۵.۲	۲۱۹	۵.۸	۱۱۱۶	۱.۶	۲.۶۵	۱.۴۴	۱.۲۱	۰
EU	-	۲۰۷۴۵	۵۳۱.۱	-	-	۲.۵۶	۱.۳۵	۰.۹۸	۰.۲۳
اتریش	۹.۲	۵۱۸	۱۳.۲	۱۴۳۰	۱.۲	۲.۵۴	۱.۷۷	۰.۷۴	۰.۰۳
انگلستان	۶۸.۱	۳۲۷۳	۸۱.۵	۱۱۹۷	۱.۵	۲.۴۹	۱.۴۴	۰.۹۷	۰.۰۸
اسرائیل	۹.۸	۳۸۶	۹.۵	۹۶۹	۲.۸	۲.۴۶	۰.۹۹	۱.۰۷	۰.۴
لیتوانی	۲.۹	۱۰۸	۲.۷	۹۱۶	۱.۳	۲.۴۶	۱.۴۷	۰.۹۹	۰
استرالیا	۲۶.۶	۱۳۴۰	۳۱.۴	۱۱۷۹	۱.۶	۲.۳۴	۱.۳۹	۰.۹۶	۰
OECD	-	-	-	-	-	۲.۲۹	۱.۱۲	۰.۹۹	۰.۱۹
لاتویا	۱.۹	۶۱	۱.۴	۷۲۹	۱.۵	۲.۲۷	۱.۳۷	۰.۸۸	۰.۰۱
سوئیس	۸.۸	۶۲۸	۱۳.۹	۱۵۸۴	۱.۴	۲.۲۲	۱.۱۹	۰.۵۴	۰.۴۹
جمهوری اسلواکی	۵.۴	۱۸۷	۴	۷۴۱	۱.۶	۲.۱۴	۱.۱۳	۰.۶۶	۰.۳۵
جمهوری چک	۱۰.۹	۴۵۷	۹.۷	۸۹۳	۱.۶	۲.۱۳	۱.۴۳	۰.۶۷	۰.۰۳
ژاپن	۱۲۴.۵	۵۴۷۲	۱۰۶.۷	۸۵۷	۱.۳	۱.۹۵	۰.۶۶	۱.۰۸	۰.۲

کشور و منطقه	جمعیت میلیون نفر	تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری (PPP) میلیارد دلار- ۲۰۱۹	هزینه‌های عمومی برای حمایت از خانواده میلیارد دلار	سرانه هزینه‌های عمومی برای حمایت از خانواده دلار	نرخ باروری (تعداد فرزند به ازای هر زن)	هزینه‌های عمومی برای مزایای خانواده بر اساس نوع هزینه، بر حسب درصد تولید ناخالص داخلی - ۲۰۱۹ (درصد از تولید ناخالص داخلی)			
						جمع	نقد	خدمات	معافیت‌های مالیاتی برای خانواده‌ها
کانادا	۴۰٫۱	۱۹۳۵	۳۶٫۲	۹۰۲	۱٫۴	۱٫۸۷	۱٫۴۸	۰٫۲۸	۰٫۱۱
ایتالیا	۵۸٫۸	۲۶۶۸	۴۹٫۹	۸۴۸	۱٫۲	۱٫۸۷	۰٫۷۶	۰٫۶۶	۰٫۴۵
هلند	۱۷٫۹	۱۰۲۹	۱۹٫۱	۱۰۶۹	۱٫۵	۱٫۸۶	۰٫۷۲	۰٫۸۵	۰٫۲۹
اسلونی	۲٫۱	۸۵	۱٫۵	۷۳۳	۱٫۶	۱٫۸۱	۱٫۱۷	۰٫۶۵	۰
یونان	۱۰٫۶	۳۳۱	۵٫۹	۵۵۳	۱٫۵	۱٫۷۷	۱٫۴	۰٫۳۷	۰
شیلی	۲۰	۴۷۵	۸٫۴	۴۱۸	۱٫۲	۱٫۷۶	۰٫۷۲	۱٫۰۲	۰٫۰۱
کلمبیا	۵۲٫۲	۷۷۱	۱۳٫۵	۲۵۸	۱٫۷	۱٫۷۵	۰٫۲۵	۱٫۵	۰
ایرلند	۵٫۲	۴۴۸	۷٫۶	۱۴۶۵	۱٫۷	۱٫۷	۱٫۰۹	۰٫۵۴	۰٫۰۶
پرتغال	۱۰٫۵	۳۷۴	۶٫۳	۵۹۸	۱٫۵	۱٫۶۸	۰٫۸۳	۰٫۳۸	۰٫۴۷
کره جنوبی	۵۱٫۴	۲۳۰۵	۳۶	۷۰۰	۰٫۸	۱٫۵۶	۰٫۳۲	۱٫۰۵	۰٫۱۹
اسپانیا	۴۸٫۳	۲۰۰۲	۲۹٫۶	۶۱۳	۱٫۱	۱٫۴۸	۰٫۵۴	۰٫۷۳	۰٫۲
ایالات متحده آمریکا	۳۳۵	۲۱۵۲۱	۲۲۳٫۸	۶۶۸	۱٫۷	۱٫۰۴	۰٫۰۶	۰٫۵۶	۰٫۴۲
کاستاریکا	۵٫۳	۱۰۷	۱٫۱	۲۰۶	۱٫۳	۱٫۰۲	۰٫۴۹	۰٫۴۹	۰٫۰۴
مکزیک	۱۳۱	۲۶۸۸	۱۶٫۹	۱۲۹	۱٫۸	۰٫۶۳	۰٫۱	۰٫۵۳	۰
ترکیه	۸۵٫۶	۲۴۶۵	۱۳٫۳	۱۵۶	۱٫۶	۰٫۵۴	۰٫۲	۰٫۳۴	۰
ایران	۸۵٫۳	۱۷۵۳	۵٫۴	۶۴	۱٫۶	۰٫۳۱	۰٫۲۲	۰٫۰۹	۰

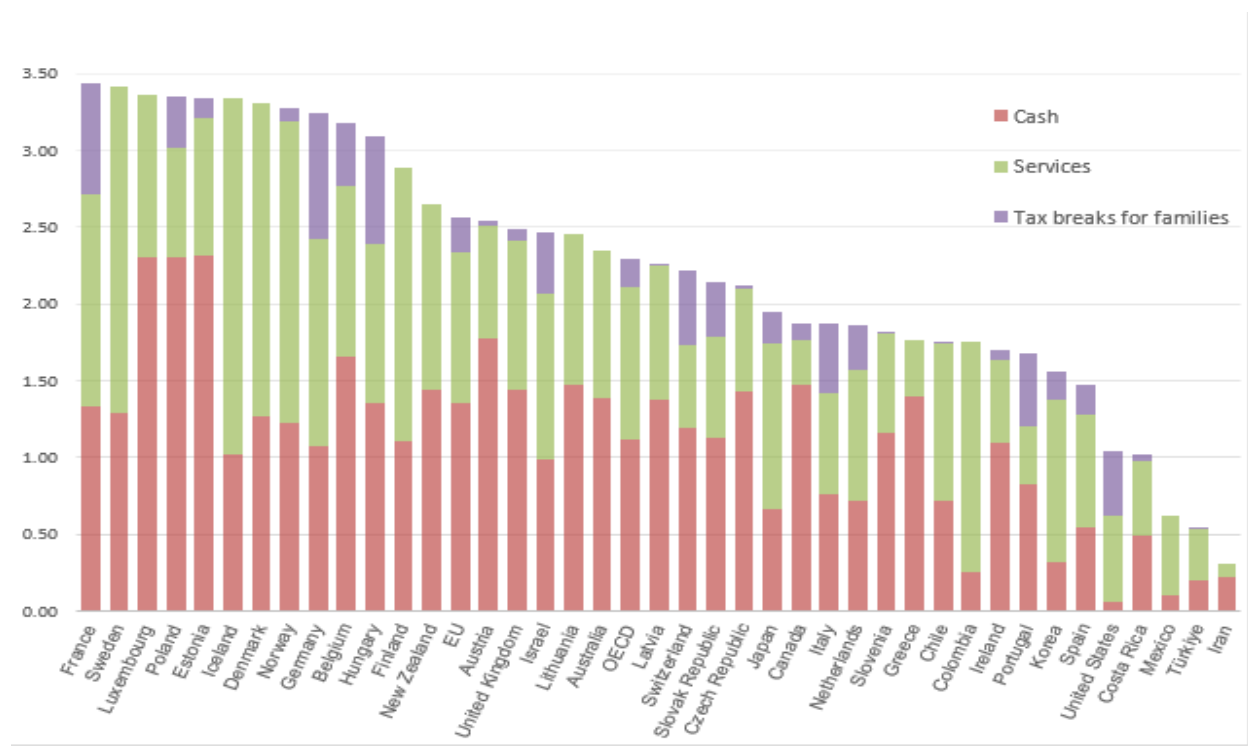
شاخص تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) به قیمت جاری بر مبنای قدرت خرید برابری دلار (PPP) محاسبه شده است. هزینه‌های عمومی که در اینجا به حساب می‌آیند مربوط به حمایت‌های عمومی است که منحصرأً برای خانواده‌ها (مانند پرداخت‌ها و کمک هزینه‌های فرزند، مزایای مرخصی والدین و حمایت از مراقبت از کودک) است. مخارج در سایر حوزه‌های سیاست اجتماعی مانند حمایت‌های بهداشتی، مسکن و ازدواج در اینجا لحاظ نمی‌شود.



همانطور که در انتهای جدول ۳ و نمودار شماره ۲، ملاحظه می‌شود؛ هزینه‌های عمومی برای مزایای خانواده، بر حسب درصد از تولید ناخالص داخلی در ایران با صرفاً ۰.۳۱ درصد بسیار کمتر از همه کشورهای مورد مقایسه است. این در حالی است که کشورهای OECD به طور متوسط ۲.۲۹٪ از تولید ناخالص داخلی را صرف مزایای خانواده می‌کنند. در حالیکه هزینه‌های عمومی برای کمک‌های خانوادگی در فرانسه و سوئد نزدیک به ۳.۵ درصد تولید ناخالص داخلی (فرانسه ۱۱۱ میلیارد دلار و سوئد ۱۹.۶ میلیارد دلار) است، در ایالات متحده آمریکا، کاستاریکا، اسپانیا، مکزیک و ترکیه این میزان بسیار کمتر از ۱.۵ درصد تولید ناخالص داخلی است. سرانه هزینه‌های عمومی برای حمایت از خانواده در ایران نیز صرفاً ۶۴ دلار می‌باشد، در حالیکه همین عدد برای کشور همسایه (ترکیه) ۱۵۶ دلار بوده است. لوکزامبورگ با سرانه هزینه‌های عمومی ۳۶۰۰ دلار بالاترین رتبه را کسب می‌کند. نروژ با ۲۱۱۷ دلار، دانمارک با ۱۹۳۶ دلار، سوئد با ۱۸۷۰ دلار، ایسلند با ۱۷۵۴ دلار، آلمان با ۱۷۸۷ دلار و بلژیک با ۱۶۷۹ دلار به ترتیب سرانه‌های بیش از ۱۶۰۰ دلار برای هزینه‌های عمومی پرداخت کرده‌اند. با توجه به اینکه محاسبات هزینه‌های سرانه بر مبنای ارزش تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری تبدیل شده به برابری قدرت خرید دلار (PPP) انجام شده است، کلیه سرانه‌ها قابلیت مقایسه دارند. قابل ذکر است در تبدیل هزینه‌های عمومی ریالی ایران به قدرت خرید برابری دلار (PPP) ۴۰ همت در نظر گرفته شده که البته بسیار خوش‌بینانه می‌باشد. این در حالی است که مبلغ واقعی تخصیص یافته به دبیرخانه ستاد ملی جمعیت حدود ۶ همت می‌باشد که برای

حمایت از خانواده در سال ۱۴۰۲ پرداخت شده است. برای تبدیل ۴۰ همت هزینه شده، به قدرت خرید برابری دلار (PPP) از دلار ۲۸ هزار تومانی استفاده شده است. این در حالی است که اگر از دلار نیمایی یا دلار ۶۰ هزار تومانی و بیشتر استفاده می‌کردیم، سهم دلاری هزینه‌های عمومی و سرانه برای حمایت از خانواده در ایران بشدت نزول می‌کرد. نکته دیگر اینکه کلیه شاخص‌های محاسبه شده برای کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) برای سال ۲۰۱۹ (۱۳۹۸) می‌باشد، این در حالی است که کلیه آمارهای ارائه شده برای ایران برای سال (۱۴۰۲) ۲۰۲۳ است. در واقع در مقایسه واقعی می‌توان گفت، در سال ۲۰۱۹ هزینه‌های عمومی برای مزایای خانواده در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) بطور متوسط ۲.۲۹ درصد از تولید ناخالص داخلی بوده است، در حالیکه در سال ۲۰۱۹ انجام چنین هزینه‌هایی در ایران تقریباً موضوعیت نداشته است.

با فرض اینکه این هزینه‌ها در کوتاه‌مدت هیچ تأثیری بر میزان باروری نداشته باشند، اما باید توجه داشت که این هزینه‌ها برای حمایت از خانواده است. با این وجود، ایران نسبت به کشورهای هم‌تراز، هزینه بسیار کمتری را پرداخت می‌کند. بنابراین عبارات بکار برده شده از جمله "بار مالی وحشتناک و تورم‌زا، پول پاشی، به لحاظ مصارف و منابع مالی یک فاجعه، بودجه فوق‌العاده زیادی را صرف فرزندآوری کردند" کاملاً مغرضانه است.



نمودار ۲: هزینه‌های عمومی برای حمایت از خانواده بر اساس نوع هزینه، بر حسب درصد تولید ناخالص

داخلی - ۲۰۱۹ (منبع: <http://www.oecd.org/social/expenditure.htm>)

نقد ۵: قانون فرزندآوری با آن همه بودجه و اعتبار و اصرار شکست خورد!

مصادق: "قانون فرزندآوری با آن همه بودجه و اعتبار و اصرار شکست خورد/ نرخ فرزندآوری سال ۱۴۰۲، نصف سال ۱۳۹۵" khabaronline.ir/xmvpJ و " فکر می‌کنند با پرداخت قدری پول و اعتبار، مردم برای ازدواج و فرزندآوری صف می‌کشند" khabaronline.ir/xmvpY



برای ارزیابی موفقیت یا عدم موفقیت هر قانونی علاوه بر گذر زمان لازم، ارزیابی علمی و دقیق لازم است، اما در رابطه با ارزیابی‌های صورت گرفته در ارتباط با اثربخشی سیاست‌ها در سطح کلان توجه به موارد و نکات زیر ضروری است.

۱. بسیاری از مطالعات و بررسی‌های انجام شده در خصوص اثربخشی سیاست‌های جمعیتی اعمال شده در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که اثربخشی این سیاست‌ها مثبت، اما کوچک ارزیابی می‌شوند^۱.

بنا به گزارش سازمان ملل (۲۰۱۴) سیاست‌های مالی تأثیر کوچک اما معناداری روی باروری داشته است (Billingsley and Ferrarini, ۲۰۱۴) که در ادامه به برخی از کشورها اشاره شده است:

✓ ژاپن: باروری به رغم اعمال سیاست‌ها رو به کاهش بوده است، اما سرعت آن کاهش یافته است. اگر ژاپن سیاست‌های افزایش باروری را در پیش نمی‌گرفت، باروری کل بین ۰.۰۲۲۶ و ۰.۰۸۶۱ کاهش می‌یافت و

^۱ - Bonoli ۲۰۰۸; Buttner and Lutz ۱۹۹۰; Gauthier ۲۰۰۷, Hoem, Prskawetz, and Neyer; ۲۰۰۱ Manski and Mayshar ۲۰۰۳; Thevenon & Luci

به جای ۱.۲۹ کنونی بایستی بین ۱.۲۷-۱.۲۰ قرار می‌گرفت. کشش باروری به علت افتادن در تله باروری پایین بقدری کوچک است که به سختی می‌توان آن را ۰.۱ بالا آورد.

✓ **آلمان:** تأثیر مثبت اما کوچک، تغییر و تأثیر قوی در زمان‌بندی مولید و رشد ۰.۰۳ باروری در سه سال اول اجرای طرح

استرالیا: تأثیر کوچک، معنادار و مثبت سیاست جایزه نوزاد روی تمایلات باروری و اثر جزئی روی باروری

✓ **آمریکا:** اثر مثبت و معنادار روی باروری صرفاً با ارائه مشوق‌های مالیاتی

۲. امروزه در بیش از ۵۵ درصد کشورهای جهان، سیاست‌های جامع و کاملی برای افزایش رشد جمعیت و تکثیر مولید در حال اجراست و تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد که سیاست‌ها و برنامه‌های دولت می‌تواند نقش مهمی در تحولات و تغییرات کمی-کیفی جمعیت ایفا کند. از این‌رو، تدوین و تصویب چنین قوانینی، به خودی خود، با تجارب جهانی تعارض ندارد.

۳. ضمن اذعان به اشکالات شکلی و کاستی‌های محتوایی موجود در قانون، ذکر این نکته ضروری است که تصویب قانونی که بتواند به نیازها و مشکلات جامعه ایرانی پاسخ دهد موضوعی بوده که همواره مورد تأکید پژوهشگران و جامعه علمی مرتبط با حوزه جمعیت بوده است. لذا تصویب این قانون را نباید صرفاً از زاویه افزایش دستوری جمعیت از سوی سیاست‌گذار تفسیر کرد.

۴. در همین رابطه، باید گفت که تصویب و اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت را می‌توان به عنوان یک سیاست اجتماعی در نظر گرفت که هدف آن جلوگیری از روند روزافزون کاهش نرخ باروری و رشد و تعالی خانواده است. از این‌رو، تقلیل اهداف قانون به مقوله افزایش نرخ فرزندآوری مبنای علمی و قانونی ندارد و در نظر گرفتن افزایش کمی جمعیت به عنوان هدف غایی قانون منجر به انحراف تحلیل‌ها و ارائه ارزیابی‌های غیر کارشناسی می‌شود.

۵. بدیهی است که قانون مذکور دچار کاستی‌ها و مشکلاتی است و آنچه که از جامعه علمی انتظار می‌رود تلاش برای شناسایی اثرات مثبت / منفی، آشکار / پنهان و خواسته / ناخواسته قانون و همچنین ارائه راهکارهای علمی برای جبران نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت آن است. در این رابطه موسسه تحقیقات جمعیت کشور اجرای طرح ارزیابی اثرگذاری مشوق‌ها و تسهیلات اقتصادی قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت را با حمایت‌های شورای عالی عتف و دبیرخانه ستاد ملی جمعیت و همکاری مرکز آمار ایران به عنوان یک طرح کلان در دست اجرا دارد.

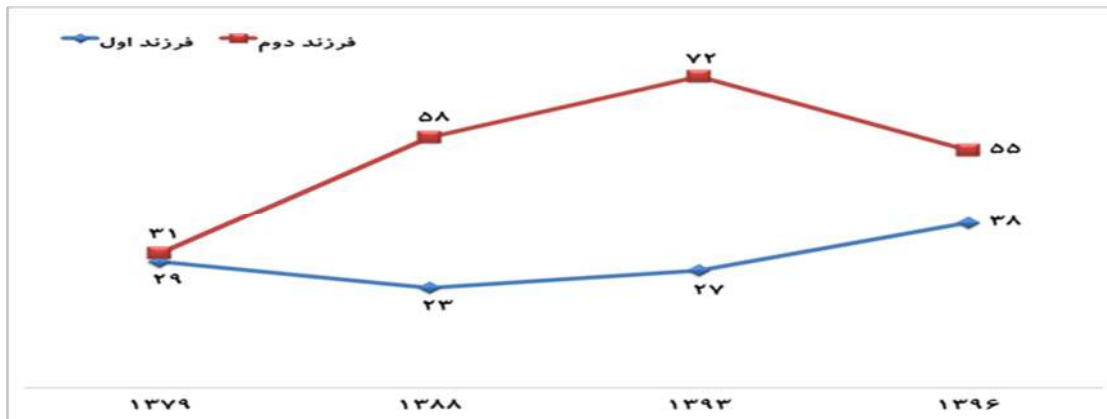
۶. بر این اساس و پیرو مصوبات و تأکیده‌های مکرر رئیس‌جمهور شهید حجت‌الاسلام دکتر ابراهیم رئیسی در جلسات متعدد ستاد ملی جمعیت و به‌ویژه در همایش روز ملی جمعیت ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳ و درخواست دولت چهاردهم مبنی بر ارزیابی میزان اثربخشی اقدامات انجام شده در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و تعیین مسیر پیشرو؛ مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور هماهنگی‌های لازم را با دبیرخانه ستاد ملی جمعیت و شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری (عتف)، به عمل آورده و در همین رابطه طرح پژوهشی فوق در دستور کار این مؤسسه قرار دارد. مفهوم تأثیرگذاری معطوف به پیامدها و نتایجی است که از اجرای قانون مورد انتظار است. این طرح با استفاده از روش ترکیبی و در سه مرحله متوالی، به ترتیب مرور نظامند، مطالعه کیفی و یک پیمایشی کمی با ۵۰۰۰۰ نمونه در سطح ملی (در نقاط شهری و روستایی) انجام می‌شود. به منظور دستیابی به اهداف این طرح، تلاش می‌شود تا با مرور تجارب جهانی و بررسی تطبیقی که نقش مهمی در ارزیابی دارند: الزامات سیاست‌گذاری موفق و اثرگذار در حوزه افزایش فرزندآوری و ازدواج شناسایی شوند؛ نقاط ضعف و قوت قانون (نواقص و معایب) از نگاه کارشناسان و صاحب‌نظران (اعم از نخبگان علمی، طراحان و مجریان) شناسایی شوند؛ الگوهای نگرشی و رفتاری در بین مخاطبان اصلی قانون ارزیابی و شناسایی شوند؛ دلایل و عوامل مؤثر بر کاهش/افزایش اثرگذاری قانون شناسایی و در پایان راهکارهای تقویت و اثربخشی قانون ارائه شوند. همچنین هر قانونی نیازمند آن است که حین اجرا و بعد از گذشت دو یا سه سال، ارزیابی از نحوه اجرای آن داشته باشیم. بنابراین برای قضاوت درباره این قانون هنوز زود است و باید منتظر خروجی‌های ارزیابی قانون بود.

۷. یکی دیگر از علل مهم افزایش و یا کاهش نرخ باروری می‌تواند به علت تغییرات ساختار سنی جمعیت باشد و عدم برآورده شدن انتظارات قانون‌گذار در کوتاه‌مدت لزوماً ارتباطی با عدم اثرگذاری قانون ندارد. لازم به ذکر است که طرح این ادعا (یعنی شکست قانون) نیازمند بررسی‌های علمی ویژه‌ای دارد.

۸. مهمتر از همه اینکه نتایج پژوهشهای صورت گرفته نشان می‌دهد که بطور متوسط فاصله بین ازدواج و تولد اول، بویژه در شهرهای بزرگ، حدوداً ۳۸ تا ۴۱ ماه است (نمودار زیر) و همچنین بر اساس آمارهای ارائه شده توسط سازمان ثبت احوال کشور، میانگین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند در میان زنان دارای حداقل یک فرزند طی سالهای ۱۳۹۹ برابر ۵۱ / ۴، ۱۴۰۰ برابر ۳۶ / ۴، ۱۴۰۱ برابر ۲۳ / ۴ و ۱۴۰۲ برابر ۱۹ / ۴ سال بوده است، که نشان دهنده کاهش جزئی در این فاصله می‌باشد. از آنجایی که بیش از ۳ سال از ابلاغ قانون نگذشته است، با توجه به اینکه اولاً عوامل مؤثر در افزایش این فاصله، ساختاری (زنان با تحصیلات دانشگاهی، اشتغال زنان، افزایش خانواده‌هایی با هزینه متوسط زندگی) می‌باشد، لذا در ارزیابی‌های صورت گرفته باید این فاصله‌گذاری‌های زمانی توسط خانواده‌ها مد نظر قرار گیرد. کما اینکه بررسی‌های اولیه

حکایت از این دارد که مشوق‌های اقتصادی در تشویق خانواده‌هایی که برای فرزند سوم، چهارم و پنجم و بیشتر اقدام کرده‌اند، کم و بیش اثرگذار بوده است.

نمودار ۳: روند میانه‌های (ماه) فاصله مولید اول و دوم زنان ساکن در شهر تهران (۱۳۷۹-۱۳۹۶)



منابع: سعادت‌تی، باقری (۱۳۹۷) طرح تحلیل فواصل مولید با استفاده از مدل‌های سابقه رخداد واقعه، موسسه تحقیقات جمعیت کشور

عرفانی، امیر (۱۳۹۳) گزارش تفصیلی پیمایش باروری تهران، بررسی تغییرات در میزانهای باروری، رفتارها و ترجیحات فرزندآوری، موسسه تحقیقات جمعیت کشور

نقد ۶: سیاستها از نظر ما و آمار و ارقام رسمی شکست خورده است، به جای عقب‌نشینی شجاعانه اقدام به پیشروی بیش‌تر و البته جیونانه می‌کنند!

مصادق: "در مجموع می‌توان گفت که مساله آنان فرزندآوری نیست، چون واضح است که سیاستهای پر هزینه و گران آنان شکست خورده است و عقل اقتضا می‌کند که این راه را ادامه ندهند ولی ادامه می‌دهند. چرا؟ زیرا این سیاست از نظر ما و آمار و ارقام رسمی شکست خورده است، ولی از نظر آنان شکست معنا ندارد و همین که قانون فرزندآوری را در قالب اصل ۸۵ و به دور از صحن مجلس و اطلاع مردم به تصویب رساندند و بخش مهمی از منابع مالی کشور را در این راه بیهوده تلف می‌کنند و تورم زیادی را هم به جامعه تحمیل کردند، کافی است که به وظیفه خود عمل کرده باشند، بقیه موارد از جمله اثربخشی سیاستها فاقد اهمیت است. به قول امام جمعه تهران چون انگیزه خیر دارند حتی اگر اشتباه هم کنند، اجر و پاداش می‌برند!" و "علت دوم رویکرد دخالت‌محور و اراده‌گرایانه آنان است که گمان می‌کنند در هر کاری باید دخالت کنند و هم می‌توانند دخالت کنند و مساله هم حتماً حل می‌شود. اینجا به در بسته می‌خورند و توان اندک خود را در مواجهه با واقعیت فرسوده می‌کنند و به جای عقب‌نشینی شجاعانه اقدام به پیشروی بیش‌تر و البته جیونانه می‌کنند!"

khaboronline.ir/xmvpJ

در ارتباط با شکست طرح در نقد قبلی توضیحات مفصل ارائه شده است، اما در رابطه با کاربرد واژه جیون توسط منتقد محترم برای حامیان قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت باید اظهار تأسف کرد و فعلاً پاسخی جز خاموشی و سکوت برای آن نیست. لازم به ذکر است که حامیان قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت عقب‌نشینی را منوط به ارزیابی قانون کرده‌اند که الحمدلله مقدمات اجرایی ارزیابی قانون فراهم شده است.

نقد ۷: تنها راه فرزندآوری امیدوار کردن طبقه متوسط به آینده است!



مصدق "تنها راه برای فرزندآوری امیدوار کردن مردم و طبقه متوسط به آینده خود و به ویژه فرزندان شان است. با صدقه وام ازدواج و فرزندآوری و امتیازات بی ربط و زبان بار نمی توانید این طبقه را به فرزندآوری که در این شرایط نوعی فرزندکشی است ترغیب کنید" و "برنامه ریزی جمعیتی دلبخواهی حکومتها و اراده گرایانه نیست، بلکه باید با مقتضیات جامعه نیز سازگار باشد. با آغاز دهه ۱۳۹۰ و تحریمها و ایجاد حس ناامیدی و مشکلات اقتصادی فرآیند مزبور تغییر کرد و با زایش دو باره امید در سال ۱۳۹۲ روند افزایشی زاد و ولد نیز آغاز شد و دو باره از سال ۱۳۹۶ روند کاهشی پیدا کرد."

<https://fa.shafaqna.com/?p=۱۷۹۷۳۹۹>

اول اینکه روند افزایش تولدها از قبل سال ۱۳۸۵ شروع شده نه در سال ۱۳۹۲ و بعد از سال ۱۳۹۴ تعداد تولدها شروع به کاهش کرده است و تا به امروز ادامه داشته است و علت اصلی آن نیز تحولات ساختار سنی جمعیت و ورود و خروج افراد در معرض ازدواج بوده است و هیچ ارتباطی علی به تغییر دولتها و تحریمها نداشته است. دوم اینکه: امیدواری به آینده به عنوان یکی از مهمترین بایسته های جوامع اسلامی و بویژه ایران اسلامی است، اینکه مردم را باید به آینده امیدوار کرد، بسیار خوب است و این وظیفه ذاتی هر حکومتی است، ولی اینکه فکر شود صرفاً با امیدوار کردن مردم و طبقه متوسط به آینده خود، مشکل فرزندآوری حل خواهد شد با تجربه های جهانی در این ارتباط به هیچ وجه همخوانی ندارد.

با در نظر گرفتن عوامل مستقیم (شاخص ازدواج، استفاده از وسایل تنظیم خانواده، سقط عمدی و نازایی بعد زایمان) و غیرمستقیم (شهرنشینی، سواد، اشتغال، تغییر نگرش‌ها و برنامه‌های دولت‌ها و...) به عنوان قابلیت‌های باروری و تعیین‌کننده‌های آن، امیدوار کردن مردم در چارچوب عوامل غیرمستقیم و در بخش برنامه‌های دولت‌ها تعریف می‌شود. به عبارت دیگر عامل امیدوار کردن مردم تنها به عنوان یکی از علل چندگانه در بخش برنامه‌های دولت‌ها عمل می‌کند و نه بیشتر. مثل این می‌ماند که در مقابله با ویروس کرونا صرفاً به امیدوار کردن مردم اکتفاء می‌شد.

بهره‌مندی انسان‌ها از برخی از ظرفیت‌های مادی و معنوی را در شاخص‌های ارائه شده در گزارش شادی جهان (World Happiness Report, ۲۰۲۳) که عملکرد جوامع در دستیابی به هدف نهایی یعنی داشتن زندگی طولانی و شاد را اندازه‌گیری می‌کند، را می‌توان ملاحظه کرد. مؤلفه‌های به کار برده شده در اندازه‌گیری شاخص که عددی بین ۰ و ۱ یا در مقیاس ۰ و ۱۰ نیز بیان می‌گردد، در برگیرنده مفاهیمی چون رفاه و تندرستی، برخوردار بودن از عمر طولانی و رعایت محیط‌زیست می‌باشد.

همانطوریکه در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، اسامی ۲۱ کشور با بالاترین رتبه در شاخص شادی (Happiness) بر اساس میانگین سه‌ساله ۲۰۲۰-۲۰۲۲ آورده شده است. برای صحت سنجی اینکه شادکامی و شادی در کشورهای مختلف از عوامل افزایش باروری هست یا نه، نرخ باروری ۲۱ کشور با بالاترین رتبه شادی را در ستون‌های پنجم و دهم جدول زیر آورده شده است.

جدول ۴: نرخ باروری در کشورهای دارای بالاترین رتبه در شاخص شادی بر اساس میانگین سه‌ساله ۲۰۲۰-۲۰۲۲

رتبه	کشور	جمعیت (میلیون نفر)	شاخص شادکامی	نرخ باروری	رتبه	کشور	جمعیت (میلیون نفر)	شاخص شادکامی	نرخ باروری
۱	فنلاند	۵/۶	۷,۸	۱/۳	۱۲	استرالیا	۲۶/۶	۷	۱/۶
۲	دانمارک	۵/۹	۷,۵۸	۱/۶	۱۳	کانادا	۴۰/۱	۶,۹	۱/۴
۳	ایسلند	۰/۴	۷,۵	۱/۶	۱۳	ایرلند	۵/۲	۶,۹	۱/۷
۴	اسرائیل	۹/۸	۷,۴۸	۲/۸	۱۴	آلمان	۸۴/۹	۶,۸	۱/۵
۵	هلند	۱۷/۹	۷,۴	۱/۵	۱۵	جمهوری چک	۱۰/۹	۶,۸	۱/۶
۶	سوئد	۱۰/۵	۷,۳۹	۱/۵	۱۶	بلژیک	۱۱/۸	۶,۸	۱/۵
۷	نروژ	۵/۵	۷,۳	۱/۴	۱۷	ایالات متحده آمریکا	۳۳۵	۶,۸	۱/۷
۸	سوئیس	۸/۸	۷,۲۴	۱/۴	۱۸	لیتوانی	۲/۹	۶,۷	۱/۳
۹	لوکزامبورگ	۰/۷	۷,۲۳	۱/۳	۱۹	انگلستان	۶۸/۱	۶,۷	۱/۵
۱۰	نیوزلند	۵/۲	۷,۱۲	۱/۶	۲۰	ایران	۸۵/۳	۴,۸۷	۱/۶
۱۱	اتریش	۹/۲	۷	۱/۲	۲۱	ترکیه	۸۵/۶	۴,۶	۱/۶

منبع: (Happiness Report, ۲۰۲۳)

همانطور که ملاحظه می‌شود، ۱۲ کشور از ۲۱ کشور با بالاترین شاخص و رتبه در شاخص شادی در جهان بر اساس میانگین سه ساله ۲۰۲۰-۲۰۲۲، دارای نرخ باروری پایین‌تری از کشور ما هستند. ۶ کشور از ۲۱ کشور با بالاترین رتبه در شاخص شادی بر اساس میانگین سه ساله ۲۰۲۰-۲۰۲۲ نرخ باروری هم‌تراز با کشور ما دارند و فقط سه کشور باروری بیشتری نسبت به ایران دارند. بنابراین، بر مبنای شواهد آماری فوق، ادعای این که صرفاً می‌توان با امیدوار کردن مردم میزان فرزندآوری را افزایش داد و نیازی به سیاست‌ها و قوانین حمایتی نیست، رد می‌شود.

نقد ۸: کاهش رشد جمعیت در اصل یک پدیده اجتماعی است. پدیده‌ای که بسیار هم خوب و ضروری است!

مصدق: "کاهش رشد جمعیت در اصل یک پدیده اجتماعی است. پدیده‌ای که بسیار هم خوب و ضروری است"
khabaronline.ir/xmd3m

اولاً، اعضای محترم هیات داورى اعطای جایزه نوبل اقتصاد، اگر از نظرات منتقدین قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مبنی بر اینکه "کاهش رشد جمعیت در اصل یک پدیده اجتماعی است، پدیده‌ای که بسیار هم خوب و ضروری است" مطلع می‌بودند، به احتمال زیاد افراد دیگری به غیر از افراد زیر برنده نوبل اقتصادی می‌شدند. همه برندگان نظریه‌ای خلاف نظریه منتقدین به شرح زیر ارائه داده‌اند:



پل ساموئلسون (Paul Anthony Samuelson): برنده نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۰: بهترین عامل تحرک و تکامل اقتصاد "نرخ باروری انسانی است"

سیمون کوزنتس (Kuznets, Simon): برنده نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۱: همبستگی معناداری بین "جمعیت بالاتر" و "درآمد سرانه پایین‌تر" وجود ندارد. وی رشد جمعیت در ۲۰۰ سال اخیر کشورهای توسعه‌یافته را به عنوان عامل مثبتی در رشد اقتصادی آن‌ها به حساب آورده است.

کنت ارو (Kenneth Arrow): برنده نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۲: "با کنترل جمعیت، رشد اقتصادی کنترل و محدود می‌شود"

روبرت سولو (Robert Solow): برنده نوبل اقتصاد در سال ۱۹۸۷: وجود یک نرخ رشد مثبت جمعیت، برای فرایند

رشد اقتصادی ضروری است.

گری بکر (Gary Becker): برنده نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۲: مشکل اساسی در واقع جمعیت نیست، بلکه مدیریت اقتصاد است: "تجربه هند به صراحت نشان داده که آنچه جلوی رشد را می‌گیرد، رشد جمعیت نیست، بلکه سیاست‌های بد اقتصادی است"

ادموند فلیس (Edmund Phelps): برنده نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۶: "کارایی نهایی سرمایه با نرخ رشد جمعیت برابر است"

ثانیاً: خروج از چارچوب و مخالفت با اهداف برنامه اول توسعه که توسط دولت سازندگی دارای عقل سلیم^۲ (به قول منتقد محترم) تهیه شده است، اعتراف به این است که منتقدان پیرو عقل سلیم نیستند، چرا که بر اساس این برنامه (برنامه اول توسعه) تعدیل مولید از ۶.۴ مولود زنده به دنیا آمده در طی دوران بالقوه باروری یک زن (سال ۱۳۶۵) به ۴ نوزاد در سال ۱۳۹۰ و کاهش نرخ رشد جمعیت از ۳.۲ به ۲.۳ درصد در همان مدت هدف‌گذاری شده بود. در حالی که نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ کشور، نشان می‌دهد که روند تحولات جمعیتی کشور با آنچه در قانون برنامه اول توسعه آمده، دارای انحراف چشمگیر بوده است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ رشد جمعیتی کشور به ترتیب ۱.۲۹ و ۱.۲۴ درصد اعلام شده است و در سال ۱۴۰۲ به حدود ۰.۷ درصد رسیده است. مجموعه اقداماتی که در این دوره به انجام رسید، منجر به تحول گسترده و تغییر در شاخص‌های جمعیتی و کاهش رشد جمعیت و نرخ باروری فراتر از اهداف برنامه اول توسعه در کشور شد. آمارها نشانگر آن است در یک دوره پنج‌ساله اهداف در نظر گرفته شده برای سال ۱۳۹۰ تأمین شده است که از نظر منتقدین محترم مغفول مانده است؛ یعنی نرخ باروری کل از ۶.۴ فرزند در سال ۱۳۶۵ که قرار بود در سال ۱۳۹۰ به ۴ فرزند برسد، در فاصله کوتاه پنج‌ساله در سال ۱۳۷۱ به ۴ فرزند رسید و در ادامه با کاهش سریع، این نرخ به حدود ۱.۶ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۴۰۲ رسیده است، که در طول تاریخ کشور بی‌سابقه بوده است و چالش‌های فراوانی برای ساختار جمعیتی ایران پدید آورده است. مطالعات انجام شده در مورد آینده تحولات باروری در ایران، نشان می‌دهد، افراد متولد شده در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ (اوج تولدهای دهه‌های اخیر) به تدریج از مرحله ازدواج و فرزندآوری عبور می‌کنند و به اصطلاح توان درونی جمعیت، در حال کم شدن است و در صورتی که مداخلات سیاستی مؤثر واقع نگردد، به احتمال زیاد، انتظار می‌رود نرخ باروری، در کمتر از حد جایگزینی تثبیت گردد.

^۲ افزایش جمعیت در قدیم به دلیل مرگ و میر کنترل می‌شد و اگر فراوانی مرگ و میر نبود، امروز باید ده‌ها میلیارد جمعیت در روی کره زمین می‌داشتیم که البته پیش از رسیدن به این مرحله یکدیگر را خورده بودند! در یک لحظه فرض کنید که رشد جمعیت ایران مثل همان دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ یعنی ۳.۹ درصد در سال بود. در این صورت جمعیت امروز ایران بیش از ۲۰۰ میلیون نفر بود، و تا ۱۴۳۰ به حدود ۶۰۰ میلیون نفر می‌رسیدیم، تهران هم باید ۷۰ میلیون جمعیت می‌داشت! "خوشبختانه هیچ عقل سلیمی اجازه بروز چنین فاجعه تمام‌عیاری را نمی‌داد و ندادند. به همین علت است که همه مسوولان کشور بدون استثنا در سال ۱۳۶۷ به این نتیجه رسیدند که این رشد را کم کنند. (هم میهن کد خبر ۱۶۰۹۷ تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۳)

ثالثاً: تبعات ادامه کاهش رشد جمعیت و باروری که از طرف منتقدین محترم پدیده‌ای بسیار خوب و ضروری دانسته شده است، با توجه به اینکه نرخ باروری کماکان کمتر از نرخ مورد نیاز برای جایگزینی جمعیت است و بسیار کمتر از حد جایگزینی در حدود ۱.۶ فرزند به ازای هر زن تثبیت شده است و انتقال ساختار سنی از جوانی به میان‌سالی کشور ایران را اجتناب‌ناپذیر کرده است، می‌توان پیش‌بینی کرد که در صورت تداوم تحولات فوق، در سه دهه آینده با کاهش شدید جمعیت در سن کار، جامعه کاملاً سالخورده و به تبع آن فشار بر سیستم‌های بازنشستگی و تأمین هزینه‌های بهداشت و درمان سالمندان در ایران مواجه خواهیم شد. این موضوعی است که منتقدین محترم در ارتباط با آن توضیحی ارائه نداده اند. برخلاف نظر منتقدین محترم مبنی بر اینکه جمعیت‌شناسان شناخته شده کشور از ورود به این مسئله پرهیز می‌کنند، اعتقاد راسخ داریم کلیه جمعیت‌شناسان با اجرای سیاست‌های جمعیتی مقابله با باروری پایین برای افزایش نرخ باروری به بالاتر از حد جایگزینی (اولین بند سیاست‌های کلی جمعیت) اتفاق نظر دارند، هرچند ممکن است در تاکتیک‌های مقابله با باروری پایین اختلاف نظر داشته باشند.

نقد ۹: رشد جمعیت از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ افزایشی شده بود و در دولت اول اصولگرا و طرفدار رشد جمعیت، کاهشی شده است!

مصادق: "رشد جمعیت در سال ۱۳۸۵، حدود ۱.۶۱ درصد بود که رشد خوب و متعارفی بود. ولی در اواخر دوره احمدی‌نژاد یعنی سال ۱۳۹۰ به ۱.۲۹ درصد کاهش یافت، در حالیکه رشد جمعیت از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ افزایشی شده بود و در دولت اول اصولگرا و طرفدار رشد جمعیت، کاهشی شد" khabaronline.ir/xmd3m



در ارتباط با اینکه اعتقاد بر این است که ۱.۶۱ در آن دوره رشد خوب و متعارفی بود، در بالا به تفصیل توضیح داده شد، اما اینکه اظهار شده که رشد جمعیت از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ افزایشی شده بود و در دولت اول اصولگرا و

طرفدار رشد جمعیت، کاهشی شده، عرض می‌شود که جدول شماره ۵، که بر مبنای آمارهای رسمی مرکز آمار ایران تهیه شده است، کاملاً بر خلاف ادعای منتقدین محترم می‌باشد. همانطور که ملاحظه می‌گردد، بعد از سال ۱۳۶۵ نرخ رشد جمعیت کاملاً کاهشی می‌باشد و در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ افزایشی در نرخ رشد جمعیت مشاهده نمی‌شود و این موضوع هیچ ربطی به عملکرد دولت‌ها ندارد. متهم به دست آورد سازی می‌کنند، در حالی که خود دست به آمارسازی زده‌اند.

جدول ۵: نرخ رشد جمعیت کشور طی سال‌های ۱۳۴۵ الی ۱۴۰۲

سال	جمعیت (هزار نفر)	نرخ رشد جمعیت-درصد
۱۳۴۵	۲۵۰۷۹	۳.۱
۱۳۵۵	۳۳۷۰۹	۲.۷
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵	۳.۹
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵	۱.۹۶
۱۳۸۵	۷۰۴۹۶	۱.۶
۱۳۹۰	۷۵۱۵۰	۱.۲۹
۱۳۹۵	۷۹۹۲۶	۱.۲۴
۱۴۰۲	۸۵۰۰۰	۰.۷

نقد ۱۰: کشور از کاهش جمعیت، زیان ندیده بلکه سود برده است!

مصادق: "کشور از کاهش جمعیت، زیان ندیده بلکه سود برده است." - [https://www.eghtesadnews.com/fa/tiny/news-](https://www.eghtesadnews.com/fa/tiny/news-۶۲۹۳۳۳)

[۶۲۹۳۳۳](https://www.eghtesadnews.com/fa/tiny/news-۶۲۹۳۳۳)



ابتدا عرض می‌شود که کشور ما از زمان برگزاری اولین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۳۵ که جمعیت کل ایران از حدود ۱۹ میلیون نفر به حدود ۸۶ میلیون نفر در حال حاضر رسیده است، تا کنون به هیچ وجه با **کاهش جمعیت** مواجه نشده است. به عبارت دیگر بطور متوسط در ۶۸ سال گذشته، سالی حدود یک میلیون نفر به جمعیت ایران اضافه شده است. آنچه که در ایران اتفاق افتاده است، کاهش نرخ رشد جمعیت و به تبع آن کاهش نرخ باروری است. این تحولات غیر از اینکه بار سنگینی بر تمامی ابعاد اقتصاد کشور از جمله کاهش جمعیت در سن کار، جامعه کاملاً سالخورده و فشار بر سیستم‌های بازنشستگی و تأمین هزینه‌های بهداشت و درمان سالمندان در ایران، کاهش ظرفیت مالیاتی، کاهش پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و درآمد، افزایش مصرف و کاهش رشد اقتصادی، تغییر الگوی سرمایه‌گذاری و افزایش فشار تورمی داشته باشد، چه سودی برای دولت‌ها دارد؟ چرا امروزه در بیش از ۵۵ درصد کشورهای جهان، سیاست‌های جامع و کاملی برای افزایش رشد جمعیت و تکثیر موالید در حال اجراست؟

در پایان لازم به ذکر است که متأسفانه برخی اظهارنظرهای منتقدین محترم در این حوزه، بدون پشتوانه آماری و بدون استفاده صحیح از شاخص‌های جمعیت‌شناختی و انجام محاسبات دقیق صورت می‌گیرد. اشاعه چنین رویکردی نه تنها به درک درست مسائل جمعیتی کمک نمی‌کند، بلکه می‌تواند با رواج سطحی‌نگری، ساحت مقدس دانش تخصصی و پژوهش‌های علمی را خدشه‌دار کند. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود ارزیابان و منتقدان پیش از هرگونه اظهارنظر در این حوزه حساس، به گزارش‌های رسمی مرکز آمار، سازمان ثبت احوال، پژوهش‌های علمی و نظرات متخصصان جمعیت‌شناسی و سایر متخصصین مرتبط با پژوهش‌های جمعیتی مراجعه کنند. پیشه کردن چنین رویکرد علمی به ما کمک می‌کند تصویری دقیق‌تر از وضعیت جمعیتی کشور داشته باشیم. بنابراین ضروری است که این بزرگواران در ارزیابی سیاست‌های جمعیتی اصول بی‌طرفی ارزشی و احترام به مخالفان فکری را مد نظر داشته باشند و ضمن نقد محتوایی و روشمند نظرات مخالفین (این موسسه از حضور و

شنیدن نقطه نظرات کلیه منتقدین محترم استقبال می‌کند)، پیشنهاد سازنده را برای بهبود وضعیت جمعیت در ایران ارائه دهند.

در نهایت پیشنهاد می‌شود که رسانه‌ها نیز از تکنیک‌های غیر حرفه‌ای مانند «قاب‌بندی منفی» برای جذب مخاطب پرهیز کنند و با پایبندی به مسئولیت حرفه‌ای و اخلاقی خود برای انتشار اطلاعات صحیح از کارشناسان علمی و متخصص استفاده کنند.